

هیچکس نمیتواند!

این قلب عاشقم با اینکه آن را شکستی اما هنوز هم برای تو است...

هیچکس نمیتواند جای خالی تو را در این قلب شکسته پر کند!

هیچکس نمی تواند این قلب بی طاقتم را دوباره عاشق کند!

این قلب پر از دردم با اینکه تنها مانده اما هنوز هم به نام تو است !

هیچکس نمی تواند آن را به نام خودش کند....

هیچکس نمیتواند درد این قلب شکسته ام را بفهمد!

رمز ورود به قلبم تنها در اختیار تو است

گفته بودم که تو اولین و آخرین عشق منی !

و اینک نیز میگویم تو اولین و آخرین کسی هستی که آمدی و مرا اسیر خودت کردی!

این قلب عاشقم با اینکه آن را به بازی گرفتی اما هنوز هم بازیچه تو است !

بیا و دوباره با آن بازی کن ، من این بازی را دوست دارم زیرا تو همبازی منی!

هیچکس نمیتواند این قلب شکسته را دوباره سر و سامان دهد !

پنجره قلبم رو به سرزمین خوشبختی بسته است ، بیا و آن را به سوی آن سرزمین باز کن

گلهای پژمرده گلدان قلبم هنوز هم روی طاغچه مانده است

بیا و دوباره آن را پر از گلهای تازه کن !

دفتر پاره پاره ای که در آن خاطرات شیرین با هم بودنمان نوشته بودی هنوز هم در

گوشه ای از این قلب شکسته جا مانده است

بیا و دوباره بنویس از عشق و محبت در این دفتر من و ما و عشقمان ...

قلیم برای تو بوده ، برای تو است و خواهد بود !

هیچکس نمیتواند جای خالی تو را در قلیم پر کند، زیرا هنوز هم آتش عشقت در قلیم

شعله ور است ، هیچکس نمیتواند آن را خاموش کند....

بیا و هیزم عشق و محبت را بر روی این آتش بریز تا بیشتر از همیشه شعله ور شود!

بیا و دوباره به من نفس بده ، با رفتن دیگر هوایی در این قلب نیست برای نفس کشیدن!

بیا تا دوباره با هم باشیم تا من نیز دوباره از عشقت بنویسم!

هیچکس نمیتواند مرا اسیر قلبش کن ، زیرا من هنوز اسیر قلب بی وفای تو هستم!

این قلب عاشقم با اینکه آن را به بازی گرفتی اما هنوز هم بازیچه تو است !

بیا و دوباره با آن بازی کن ، من این بازی را دوست دارم زیرا تو همبازی منی!



alifathi1385.blogfa.com